

5214

۱۵۰

۰۲

کتابخانه

WWW.KETAB.B

خیام، عمرین ابراهیم / ۵ ق
رباعیات

رباعیات خیام (دوزبانه) / بر اساس نسخه محمد علی فروغی و قاسم غنی ۱۳۹۶
خوشنویسی رایانه ای / محمد مهدی منصوری - قم: تلاش اندیشه ۱۳۹۶ / ۱۲۴ ص.

۱. شعر فارسی - انگلیسی - قرن ۵ ق ۲. رباعی - قرن ۵ ق.

الف. فروغی. محمد علی، ۱۲۵۴-۱۳۲۱، مصحح. ب. عنوان

PIR ۴۶۲۵ ۱۳۹۶

ISBN : 978-600-95999-0-01

۲. ۹۵۷ ج

۳. ۱/۲۲ فا ۸

کتابخانه ملی ایران



انتشارات تلاش اندیشه

چاپخانه گلها

ناظر چاپ: جواد امینیان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

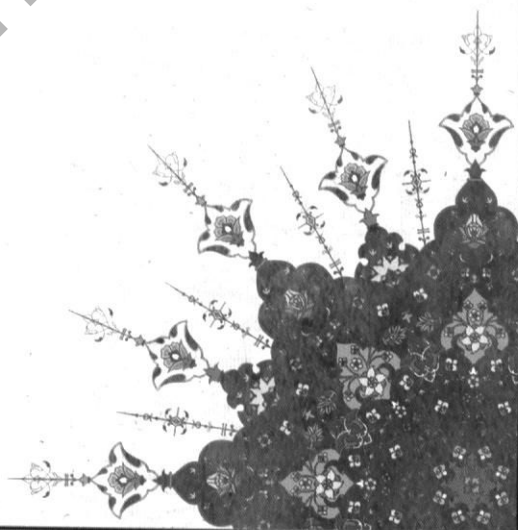
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۹۹۹-۰-۰۱

ISBN : 978-600-95999-0-01

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرکز بخش: ۰۹۱۲۶۹۹۰۰۷۴ - ۰۹۳۶۳۵۲۱۸۳۴

رباعیات
حکیم عمر خٹام



مقدمه

رباعی کوچکترین وزن شعری است که امکان فکرشعر را با نفعی تمام می‌رساند
هر شاعری خودش را مولف دانسته که در جزو اشعارش کم و بیش رباعی بگوید

ولی خیام رباعی را به تقادرجه اعتبار و اهمیت رسانید و این وزن مختصر را انتخاب کرده: در صورتیکه
انکار خودش را در نهایت زبردستی در آن گنجایید است: ترانه‌ای خیام بقدری ساده و طبیعی و زربان
و چسب ادبی و معمولی گفته شده که گویی را شیفته‌ای گنبد و تشبیهات قشنگ آن می‌نماید و از بهترین نمونه‌های شعر
فارسی شمار می‌آید: قدرت ادبی ابد از ادای ساینده که با اثر آن نمی‌است: انسان به حیرت می‌افتد که یک عقیده‌ها
فلسفی همی چگونه ممکن است در قالب یک رباعی بگنجد و چگونه میتوان چند رباعی گفت که از هر کدام یک کسر و فلسفه
مستقل مشاهده شود و در عین حال با هم همانند باشد این بخش و دلبرانی فکر خیام است که
ترانه‌های او را در دنیا مشهور کرده است: وزن ساده و مختصر شعری خیام خواننده
را خسته نمیکند و به او فرصت فکری می‌دهد:

خیام شعر از چکچک سیر می‌کنند زبان ساده و بهیمنی اسرار

صنعت خودش کمال آگاه است و با کمال ایجاز بهترین شرح می‌دهد

از تملیحات و نفوذ خیام در ادبیات فارسی هنری که متمرکز است بر شاد فکری و آزادی است

که بدایع کرده و با بقدرت قلم خودش آگاه بوده برادر نور و زمانه در فضل انداید که در قلم حکایتی

میاورد که قلم را از تنعیر به شوهر تر می‌داند و با قلم صلاح و فساد مملکت کاری بزرگ است

و خود مدن قلم را که مقصد باشند غریب باید داشت تا به خیام در ادب و آگاهی و تأثیر و دیای متهمان

از موزون می‌انباشان می‌داند که کشف می‌خیام با دیگران با چه انداز فرق دارد خیام هر چه شعر کار با ریاضیات

و نجوم دانسته و این شیمی حساس مانع از اظهار احساسات تقوی و لذت بردن از طبیعت

و ذوق سرشار شعری او نشده اغلب سنگام فراموشی و بفرح و ادبیات می‌گذرانند

و اگر چه این منجمان مانند خواجه نصیر طوسی و غیره شاعر و دانشمند و اشعاری به آنها منسوب

است ملی کشفه های آنها با خیام زمین با آسمان فرق دارد آنان شهدا و الیه است

و تصوف یا عشق و خلاق با مسائل اجتماعی با عی کشفه اند یعنی همان کشفه های

دیگران را انکار کرده اند و ذوق شاعری را اشعار و قافیه پردازی آنها تغییر با وجود مداد و

شب متاب ویرانه مرغ حق قبرستان هوای نناک بهاری در خیام خیلی موثر بوده ملی نظر

میآید که شکوه طراوت بهار ز کما و بوی گل چمنزار جو بار نسیم لایم و طبیعت افشونگر با آهنگ

چنگ ساقیان با هر که فصل بهار و نوروز را بختم می کرده روح خیام تاثیر فوق العاده داشته خیام

با لطافت و ظرافت مخصوص که نزد شعری دیگر کمیل است طبیعت را حس میکرده و با یک

دنیا اتسادی آن اوصاف میکند

روزی است خوش و هوانه کرم است و نسیم

بخار صبا دامن گل خاک نشد

ابر آمد و ابر بر سر سبز کریست

چون بر لبه زفر زنج لاله نشست

متاب بنور دامن شب بگفت؛

خیام در وصف طبیعت ما همان اندازه احتیاج دارد با خند کلمه محیط و وضع را محسوس میکند.

آه در زمانی که شعر فارسی زیر تاثیر تسلط عرب یک نوع لغت بازی و املای فضل و تملق گویی

خسب می معنی بوده شاعران کجایی که ذوق طبیعی آتش اند برای یک بک یا یک قطره آله

بقدری اغراق می گفته اند که انسان بر اثر طبیعت بر میگردد بدین سادگی زبان خیام بر بزرگی

مقام او می افزاید: خیام نه تنها به الفاظ ساده گفتا کرد بلکه در زبانی خود استاد می داند

نیز کار برده که نظیر آن نزد هیچیک از شعرای ایران ندیده می شود؛

الفاظ بازی میکند ولی صنعت او چقدر با صنایع لوس و سخی

بدیع فرق دارد؛ مثلاً لغاتی که دو معنی میسر سازند؛

برلم که کور می کرفی بعمه

دید که چگونه کور برم گرفت

تقلید از فاخته که معنی کجا هم می باشد شبکار زیر کی تسلط به بان و ذوق ایسراند

دیدم که برنگر داشت فاخته بی
بسته می گفت که گو گو گو گو

در آخر بعضی از رباعیات قافیه تکرار شده، شاید به نظر بعضی فقر لغت و قافیه را می رساند. مثل:

دنیا دیدی هر چه دیدی هیچ است؛
بگذر جهان چه طرف برستم هیچ

ولی تمام نثر اردی موضوع در همین تکرار هیچ جمع شد؛ چندین اثر فلسفی و علمی بزبان عربی و فارسی

از خیام مانده، ولی آثار علمی او نیز که در همین اثر نثرش دخالتی نداشته